

بسم الله الرحمن الرحيم

## چه کسانی در آتش جهنم جاودانه خواهند بود؟

در ابتدا لازم است مجموع آیاتی که به طور مطلق پیرامون خلود سخن می گوید وارد بحث کنیم. آنگاه با واقع بینی خاصی به تفسیر آنها بپردازیم. قرآن در آیات مختلف گروههای یاد شده در زیر را محلد در دوزخ می داند.

اینک اجمال عناوین این گروهها

1. کافران.
- [1]. مشرکان.
- [2]. منافقان.
- [3]. مرتدان.
- [4]. تکذیب کنندگان آیات الهی.
- [5]. دشمنان خدا و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم).
- [6]. عاصیان و متمردان امر خدا و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم).
- [7]. ظالمان و ستمگران.
- [8]. اشقیاء.
- [9]. مجرمان.
- [10]. غوطه وران در خطا.
- [11]. افراد بدکار.

[12]. قاتل مؤمن . 13.

[13]. رباخواران . 14.

[14]. روی گردانان از قرآن . 15.

[15]. سبک اعمالان . 16.

عناوین چهارگانه نخست جای بحث و گفتگو نیست، زیرا همگی تحت عنوان کافر قرار گرفته اند و در این که همه ی آنان در آتش مخلدند اختلاف نظری وجود ندارد، و لذا از بحث: پیرامون آنها صرف نظر می کنیم و به تفسیر دیگر عناوین می پردازیم

## تکذیب کنندگان آیات الهی . 1.

آیه وارد در مورد این عنوان مربوط به کافران است این آیه از خطابات نخستین است که پس از آفرینش آدم و حوا از جانب خدا به فرزندان آدم خطاب شده است و می فرماید: **يا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنْ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ \* وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا** ای فرزندان آدم البته اگر پیامبرانی از شما به سوی شما بیایند و آیات مرا بر [16] خالِدُونَ؛ شما بخوانند، آن کس که تقوا پیشه سازد و خود را اصلاح کند بر او ترس و اندوهی نیست ولی آنان که به تکذیب آیات ما برخیزند و کبر ورزند، اهل آتش بوده و پیوسته در آنجا می باشند.»

با توجه به مضمون هر دو آیه روشن می شود که هدف آن دو این است که مردم در برابر رسولان خدا دو گروهند، گروهی آنان را تصدیق کرده و گروهی دیگر آنان را تکذیب می

.کنند، گروه نخست در بهشت و گروه دوم در عذاب دایم  
ناگفته پیدا است که گروه دوم همان کافران و منکران پیامبران می باشند

## (دشمنی با خدا و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم). 2.

قرآن در این مورد می فرماید

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِداً فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ «  
آن کس که با خدا و رسول او دشمنی ورزد، برای او است آتش دوزخ جاودانه [17] الْعَظِيمُ؛  
» در آن این است خواری بزرگ

فعل (يُحَادِد) از ماده «حَدَّ» به معنی نهایت و پایان چیزی، اخذ شده است و مقصود در  
این جا عداوت و دشمنی است و به طور مسلم دشمنی با خدا و رسول او مساوی با تکذیب  
رسالت رسولان و نبوت پیامبران است و چنین فردی کافر خواهد بود

گذشته از این، آیه، به حکم سیاق، مربوط به منافقان است که هرگز در باطن ایمان نیاورده  
و تنها تظاهر به ایمان می کنند

برای بدست آوردن مفهوم «محاده» با خدا و رسول می توانید به آیات دیگری که در این  
زمینه وارد شده است مراجعه نمایید و از همگی آنها به روشنی به دست می آید که يك چنین  
رفتار مربوط به گروه غیر مؤمن به خدا و رسول او است چنان که می فرماید

هرگز گروه [18] لَا بَجْدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...؛  
مؤمن به خدا و روز دیگر (قیامت) را نمی بینی که گروهی را که خدا و پیامبر او را دشمن  
«داشته اند، آنان را دوست بدانند»

و مقصود این است که هرگز ایمان با ایجاد رابطه دوستی با دشمنان خدا و رسول او قابل جمع [19]. نیست

### 3. عاصیان و متمردان

قرآن درباره ی آنان می فرماید

إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا \* «  
من مالک چیزی ( [20] حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أضعف ناصراً وَأَقْلَبَ عَدْدًا؛  
نیستم) مگر این که مأمورم پیام الهی و رسالت او را به شما برسانم و آن کس که نسبت به  
«خدا و رسول او عاصیان ورزد برای او است آتش دوزخ، جاودانه و پیوسته در آنجا

گروه عاصی آنگاه که وعیدهای الهی را دیدند در آن وقت می فهمند که چه کسی از نظر  
یار و یاور ناتوان تر و از نظر شمار و تعداد کم تر است؟

اکتفا ورزیم، طبعاً آیه معنی وسیعی خواهد (...وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ) هرگاه به جمله  
داشت که مؤمنان مرتکبان کبیره را نیز در بر می گیرد ولی با توجه به سیاق آیات خواهیم  
دید، این آیه مربوط به منکران پیامبران و تحقیر کنندگان آنان می باشد، و گواه بر این  
مطلب دو چیز است که یادآور می شویم

الف: در این سوره از آیه 18 تا 28 محور سخن مشرکان و گروه کافران است آنجا که می  
فرماید

مسجدها از آن خدا است با خدا کسی [21] وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛ «

«را نخوانید.

:و باز می فرماید

من خدایم را می خوانم و کسی را شریک او قرار [22] قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا؛»  
«نمی دهم

بنابراین محور آیات، مشرکان و کافران است و طبعاً مقصود از عاصیان و نافرمانان گروهی  
خواهند بود که با توحید او مخالفت ورزیده و اصول و فروع دین خدا را نمی پذیرند

ب: در آیه ی (24) آنان را تهدید کرده می گوید: به زودی آخرت را می بینید، آنگاه می  
فهمید که کم یاور و کم شمار کیست؟ و این جمله می فهماند که طرف سخن مشرکان و  
کافران هستند که پیامبران را به خاطر کم یآوری و این که طرفداران آنان افراد معدودی می  
باشند، تحقیر می کردند. و با توجه به این دو قرینه نمی توان گفت مقصود از عاصیان هر نوع  
سریچی و نافرمانی است به گونه ای که سریچی افراد مؤمن را نیز شامل شود

#### 4. ظالمان و ستمگران

آنگاه به [23] قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ؛»  
افرادی که ستم کرده اند گفته می شود، عذاب پیوسته را بچشید، جز آنچه را که انجام می  
«دادید جزا داده نمی شوید

در این آیه به افراد ستمگر بیم عذاب پیوسته داده شده است اگر از سیاق آیات صرف

نظر کنیم، طبعاً هر نوع ستم و هر نوع ستمگر را در بر می‌گیرد و شکی نیست که مرتکب کبیره، با قانون شکنی، ستمی بر خود و ستمی بر خدا یا دیگران روا می‌دارد ولی با توجه به آیات قبل به خوبی روشن می‌شود که آیه درباره‌ی منکران روز قیامت سخن می‌گوید:

«آنجا که می‌فرماید  
می‌گویند روز قیامت در چه زمانی خواهد [24] وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ؟»  
بود اگر راست می‌گویید.

و باز می‌فرماید

آیا آنگاه که عذاب فرود آمد [25] أَتَمَّ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ آلَانَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ؟»  
(به قرآن، به رسالت پیامبر یا به توحید) ایمان می‌آورید در حالی که قبلاً خواستار چنین عذاب بودید.

درباره‌ی چنین گروه با این صفات و حالات آیه‌ی مورد بحث بیم عذاب محلد می‌دهد و می‌فرماید:

«...ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ»

.با توجه به چنین سیاق نمی‌توان درباره‌ی آیه، غیر از این داوری کرد.

## اشقیا .5

خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ \* فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فِي النَّارِ هُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهيقٌ»  
آنان که بدبخت شده‌اند در آتشند [26] وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ؛  
آنان را (از شدت درد) آه و ناله است تا آسمانها و زمین برقرار است جاودانه در آتشند مگر

«خدای تو بخواهد، حقا که پروردگار تو آنچه را که اراده کند، انجام می دهد».

در این آیه افراد شقاوتمند و بدبخت محکوم به خلود در آتش می باشند مگر این که خدا اراده کند آنان را از آتش بیرون بیاورد.

مفسران، پیرامون این آیه و آیه پس از آن که مربوط به نیک بختان است، از جهات مختلفی [27]. بحث کرده اند

ولی آنچه برای ما مهم است تفسیر خلود شقاوتمندان در آتش است شکی نیست که هر گناهکاری شقی و هر گناهی به نوعی شقاوت آفرین است، و شقاوت دارای مراتب و درجاتی است ولی سخن در این است که آیا آیه یاد شده هر نوع شقاوت و شقاوتمند را در بر می گیرد یا مقصود کافری است که در شقاوت به درجه نهایی رسیده است؟

آیه بعدی حاکی است که مقصود آن گروه از شقاوتمندانند که شرك ورزیده و به جای ستایش خدا مخلوق او را ستایش می کنند،

:چنان که می فرماید

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْْبُدُ آبَائُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ»  
هرگز از آنچه که آنان می پرستند در شك و تردید مباش. آنان [28] نصیبهم غیر منقوص؛  
جز آنچه را که نیاکان آنها در زمانهای پیش می پرستیدند نمی پرستند و ما بهره ی آنان را به  
«طور کامل در این جهان خواهیم داد».

این آیه به گونه ای گواه بر این است که مقصود از «شقی» آن شقاوتمند مشرکی است که در بدبختی به درجه ی نهایی رسیده است.

در آیه ی دیگر می بینیم پس از کلمه ی (أَشْقَى) واژه ی (كَذَّبَ) و (تَوَلَّى) را آورده است و این گواه بر آن است که در اصطلاح قرآن انسان شقی فردی است که در تبهکاری فرو می رود آنجا که می فرماید

شما را از آتش [29] الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى؛ \* لَا يَصْلِيهَا إِلَّا الْأَشْقَى \* فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى»  
شعله‌ور بیم داده ام که جز فرد بدبخت در آن وارد نمی شود کسی که رسالت رسولان را «تکذیب و به آنان پشت نموده است».

## 6. مجرمان

قرآن درباره ی مجرمان می فرماید

مجرمان در [30] لَا يُفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ؛ \* إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ»  
عذاب دوزخ جاودانه اند. عذاب از آنان قطع نمی گردد و آنان در آتش از رحمت حق نومید «یا سرافکنده اند».

در این آیه، مجرمان به خلود در آتش محکومند ولی باید دید آیا مقصود هر انسانی است که دست خود را به گناه آلوده ساخته و یا مقصود مجرمانی است که فرمانهای الهی را گردن نهاده



و به پیامبران ایمان نیاورده اند؟

آیات قبل بر مطلب دوم گواهی می دهد، زیرا مجموع آیات انساها را به دو گروه تقسیم می کند:

1. مؤمن به آیات الهی، که سزای او بهشت است.

2. مجرم، که سزای او عذاب جاودانه است.

و از تقابل این دو گروه می توان وضع گروه دوم را به دست آورد

درباره ی گروه نخست می فرماید

الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا \* يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ»  
ای بندگان من امروز بر شما ترسی [31] ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُخْبَرُونَ؛ \* مُسْلِمِينَ  
نیست و شما اندوهگین نیستید کسانی که در دنیا به آیات ما ایمان آورده و تسلیم قوانین  
(ما) بودند (پس به آنان خطاب می شود) شما و همسرانتان در نهایت شادمانی وارد بهشت  
».«شوید».

و درباره گروه دوم چنین می فرماید

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ \* لَا يُفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ \* إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ»  
مجرمان، جاودانه در عذاب دوزخ می باشند، در عذاب آنان [32] وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ؛  
».«تخفیف داده نمی شود و آنان در آنجا از همه چیز مأیوسند».

یاد کرده می توان گفت که مقصود از (الَّذِينَ آمَنُوا) از این درباره ی گروه نخست با جمله ی مجرمان، گروهی است که به آیات الهی ایمان نیاورده اند. علاوه ی بر این ملاحظه ی مجموع آیات سوره که از سوره های مکی است می رساند که محور سخن، مشرکان و کافراند که به آیات الهی پشت پا زده و در عداد مجرمان کافر درآمده اند و غالب نکوهشهایی که در سوره های مکی آمده است مربوط به مشرکان و کافران می باشد.

## 7. فرو رفتگان در خطا.

بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا «  
آن کس که بدی را کسب کند و خطاهای او بر او احاطه نماید، آنان اهل [33] خالِدُونَ؛  
«آتش بوده و در آن جاودانه خواهند بود».

در این آیه آن گروه را مخلد در آتش دانسته که دارای دو خصوصیت باشند

1. مرتکب گناه شوند.

2. آن قدر در این کار اصرار ورزند که خطا بر آنان احاطه نماید.

احاطه ی خطا آن حالت نفسانی است که از گناه برمی خیزد و در انسان حالتی را پدید می آورد که تمام طرق هدایت به سوی او بسته می شود دیگر سخن پیامبران و دیگر منادیان الهی در او تأثیر نمی کند.

كَسَبَ ) بنابراین آیه هر نوع مرتکب کبیره را شامل نمی شود و به همین خاطر به جمله نخست یعنی گناه و خطا (وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ) : اکتفا نکرد، بلکه جمله دوم را آورد و فرمود(سَيِّئَةً بر قلب او احاطه کند به گونه ای که انسان محاط خطا و خطا محیط بر او باشد يك چنین انسانی که غرق خطا و گناه است دیگر راه هدایت به روی او بسته می شود، نه از درون به حق راهی پیدا می کند و نه از بیرون قابل نفوذ است و يك چنین فرد جز کافر و یا آن گروهی که بر اثر اعمال زشت منتهی به ارتداد و تکذیب آیات الهی می شوند، نیست

: و در آیه بعد از آیه ی مورد بحث می فرماید

آنان که ایمان [34] وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛ «آوردند و عمل نیک انجام داده اند اهل بهشت بوده و در آن جاودان خواهند بود

می توان گفت محور بحث (بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً) با آیه ی مورد بحث (وَالَّذِينَ آمَنُوا) از مقابله در این آیه ها کافر و مؤمن است که اولی در آتش مخلد، و دومی در بهشت جاودان است

## افراد بدکار .8

:قرآن در باره بندگان شایسته و وارسته الهی می فرماید

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ «  
آنان که به [35] يُضَاعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يُحْلَدُ فِيهِ مُهَانًا؛ \* يَفْعَلُ ذَلِكَ يَلْقَى أَثَامًا  
جز آفریدگار، خدایی را نمی خوانند و نفسی را که خدا محترم داشته است مگر از روی حق  
نمی کشند و مرتکب زنا نمی شوند و هر کس این گناهان را انجام دهد، کیفری را خواهد

«دید. روز قیامت برای او عذاب مضاعف است و با خواری در آن جاودانه خواهد بود

در این آیه به «مشارالیه ذلک» بیم خلود در عذاب داده شده است ولی باید دید کلمه ذلک به چه اشاره می کند در آغاز آیه از سه عمل نکوهیده یاد شده که افراد مؤمن آن را ترک می کنند و آن سه عمل عبارتند از

شرك، 2. قتل نفس محترم، 3. زنا. 1.

سپس می گوید: هر کس این کار را انجام دهد کیفر می بیند و کیفر او دو چندان بودن عذاب و خلود در آن است

اکنون باید دید این کیفر از آن کیست؟

در اینجا احتمالاتی هست

در این صورت گواه بر این است که مرتکب (ولا یزُنُونَ) الف: مقصود جمله اخیر آیه است این گناه کبیره در آتش مخلد است

ب: مقصود مشرک و یا قاتل نفس محترم است

ج: مقصود همه ی این اعمال نکوهیده است

احتمال نخست بسیار بعید است، زیرا اگر مقصود فرد زناکار باشد مضاعف بودن عذاب وجهی ندارد در حالی که گناهان بزرگتر از آن عذاب دو چندان ندارند

احتمال دوم نیز از نظر قواعد زبان صحیح نیست، زیرا هرگز صحیح نیست گوینده ای سه مطلب را بگوید بدون قرینه، تنها به اولی و دومی اشاره کند و حکمی را به آن دو

اختصاص دهد.

طبعاً باید گفت مقصود احتمال سوم است. یعنی آن کس که هر سه را مرتکب شود و در عین شرك، انسان محترمی را بکشد و مرتکب زنا گردد در این صورت جاودانگی عذاب، دلیل بر جاودانه بودن عذاب مرتکب کبیره نیست.

در اینجا پاسخ يك پرسش باقی است و آن این که: شرك به تنهایی کافی در خلود است و دیگر نیازی به انضمام دو عمل دیگر (قتل نفس محترم و زنا) ندارد، ولی پاسخ آن روشن است، زیرا انضمام این دو، مایه «مضاعف بودن» گناه است نه خلود در آتش.

## 9. روی گردانان از قرآن

مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ \* كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا»  
این چنین بر تو اخبار [36] خالِدینِ فِیهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا؛ \* يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا  
گذشته را شرح می کنیم از نزد خود قرآن را به تو داده ایم هر کس از آن روی گرداند روز قیامت بار سنگینی را حمل می کند پیوسته در مشقت حمل آن بار می باشد و چه بار بدی «است که روز قیامت حمل می نماید».

است که «وزر» کلمه «فیه» آمده است و مرجع ضمیر در (خالِدینِ فِیهِ) در این آیه کلمه مقصود از آن بار سنگینی گناه است و جاودانگی در «وزر» کنایه از خلود در کیفر آن می باشد طبعاً آیه گواه بر این است که روی گردانان از قرآن در عذاب مخلد خواهند بود.

ولی باید دید مقصود از اعراض از قرآن چیست؟ مقصود اعراض از تلاوت و یا اعراض از عمل به برخی از احکام آن نمی باشد، بلکه مقصود این است که به آن ایمان نیاورده و آن را نادیده بگیرد، زیرا محور آیات گروه کافر است که به رسالت پیامبر و روز معاد ایمان نیاورده بودند.

اصولاً در برخی از آیات اعراض از قرآن با کفر و بی ایمانی یکسان شمرده است آنجا که می فرماید:

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ «  
چه کسی [37] أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقُرْآناً وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا؛  
ستمگرتر از آن کس است که وقتی به آیات پروردگارش یادآوری شود، از آن روی برگردانده و کارهای پیشین خود را فراموش نماید، ما بر دلهای آنان پوششی قرار دادیم از این که بفهمند و در گوشهای آنان سنگینی است و اگر به هدایت دعوت شوند، هرگز هدایت نمی شوند».

## سبک میزانان در روز رستاخیز . 10

قرآن درباره ی این گروه می فرماید

آن کس که [38] وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ؛  
«سنجش اعمال او سبک باشد آنان کسانی هستند که زیان کرده اند و در دوزخ جاوداند».

ظاهر آیه این است که هر سبک میزانی در دوزخ جاودان است حالا اگر مسلمانی که عمل

نیک و بد هر دو را انجام داده ولی اعمال بد او بیش از اعمال نیک او باشد، در این صورت او در شمار سبک‌میزانان بوده و در دوزخ جاودان خواهد بود، نتیجه این می‌شود که مرتکب کبیره در صورتی که «سیئات» او بر «حسنات» وی فزونی یابد مخلد در دوزخ خواهد بود، و در نتیجه، آیه بر مخلد بودن گروه خاصی از مؤمنان مرتکب کبیره دلالت دارد.

البته این ظاهر آیه است ولی اگر در سیاق آیات دقت شود روشن می‌شود که مقصود گروه کافر است که رسالت پیامبران را تکذیب می‌کردند چنان که در آیه ی بعد می‌فرماید: آیا چنین نبودید که آیات من بر شما [39] *أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ؟* «خواننده می‌شد و شما تکذیب می‌کردید؟»

همچنان که در پنج آیه بعد می‌فرماید: *فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ \* إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ* همانا آنگاه که گروهی از بندگان [40] *سِحْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُم ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ*؛ من می‌گفتند پروردگارا ایمان آوردیم ما را بیامرز و بر ما رحم کن و تو بهترین رحم‌کنندگان، شما آنان را به باد مسخره می‌گرفتید، تا این که آنان سبب شدند که شما یاد مرا فراموش کنید و بر آنان می‌خندیدید.

با توجه به این آیات می‌توان گفت مقصود از سبک‌میزانان گروه‌های تکذیب‌کننده و غیر مؤمنی است که در روز رستاخیز از زیانکاران خواهند بود.

## رباخواران پس از تحریم 11.

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ  
قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا  
آنَانَ كَمَا ربا می [41] سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛  
خورند؛ از جای بر نمی خیزند مگر مانند برخاستن انسانی که شیطان، خرد او را آشفته سازد،  
این حالت برای آن است که گفتند بیع مانند ربا است با آن که خدا، بیع را حلال و ربا را  
تحریم کرده است، هر کس که از سوی خدا برای او اندرزی آید و آن را ترك کند پس برای  
او است گذشته (بخشوده می شود) و کار او واگذار به خدا است و هر کس به (رباخواری)  
«باز گردد اهل آتش بوده و در آن محلد خواهند بود».

ظاهر آیه، هر چند مطلق رباخواران را به خلود در آتش تهدید می کند ولی با دقت در جمله  
می توان گفت که مقصود آن گروه از رباخوران هستند که پس از شنیدن تحریم (وَمَنْ عَادَ)  
الهی باز به عمل رباخواری ادامه داده و منطق آنان پس از تحریم همان منطق است که قبل از  
تحریم داشتند اگر قبل از تحریم می گفتند بیع و ربا یکسان است پس از تحریم به تشریح الهی  
اعتنا نکرده باز می گویند بیع و ربا یکسان بوده و میان آن دو تفاوتی نیست و نتیجه این  
می شود که تشریح الهی را نپذیرفته و وحی الهی را تکذیب می کردند.

:و به عبارت روشن تر قبل از آمدن آیه تحریم ربا، رباخواران از دو نظر انحراف داشتند

1. انحراف عقیدتی، که بیع را با ربا یکسان می انگاشتند.

2. انحراف عملی، که معاملات ربوی انجام می دادند.



آیه می فرماید: تا قبل از تشریح حرمت ربا، این دو انحراف آنان مورد مؤاحذه واقع نمی شود ولی پس از تشریح هر کس باز هم در این دو نوع انحراف (عقیدتی و عملی) باقی بماند مخلد در دوزخ خواهد بود.

آری اگر موضوع خلود در آتش رباخواری پس از تشریح حرمت آن باشد، خواه از نظر عقیده انحرافی رخ دهد یا ندهد؛ در این صورت می توان گفت آیه، بر مدعای قائلان به مخلد بودن مرتکب کبیره در عذاب دلالت دارد، ولی هیچ گونه قرینه ای در آیه مورد بحث و این است که به هر (فَمَنْ عَادَ) آیات دیگر در این مطلب وجود ندارد و قدر متیقن از جمله دو نوع انحراف قبل از تشریح حرمت ربا و یا به انحراف نخست باز گردند و در کفر چنین [42]. فردی جای تردید نیست

## قاتل مؤمن بی گناه . 12

قرآن درباره قتل مؤمن به صورت عمد چنین می فرماید:

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا

هر کس مؤمنی را از روی عمد بکشد؛ سزای او دوزخ است که جاودانه در [43] عَظِيمًا؛ آنجا بماند، و خدا بر او خشم گرفته و از رحمت خود دور نموده و برای او عذاب بزرگی را «آماده کرده است».

این آیه ، بزرگترین و شاید یگانه دلیل قائلان به ابدی بودن عذاب مرتکب کبیره است و در

تمام کتابهای کلامی برای این نظریه با این آیه استدلال شده است و استدلال به ظاهر این آیه نسبت به آیات گذشته از قوت بیشتری برخوردار است.

.شأن نزول نیز نظریه قائلان به خلود را در خصوص این مورد تأیید می کند.

طبرسی «می نویسد: «هشام بن صباحه» به وسیله «بنی النجار» کشته شد، برادر هشام به «نام قیس شکایت را به حضور رسول خدا برد حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) قیس بن هلال فهری را همراه او به سوی قبیله بنی النجار، اعزام کرد و به «فهری» گفت به «بنی النجار» بگو اگر قاتل او را می شناسید؛ معرفی کنید تا قیس، قصاص کند و اگر نمی شناسید؛ دیه ی مقتول را به او پردازید «فهری» پیام رسول خدا را به بنی النجار رساند و آنان دیه پرداختند، مأمور رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) با «قیس» پس از اخذ دیه بازگشتند ولی در نیمه راه برادر مقتول دچار وسوسه شیطانی شد و با خود گفت، کاری انجام ندادی. دیه ی برادرت را گرفتی... چه بهتر این فرد که همراه تو است بکشی تا نفس در مقابل نفس کشته شود، دیه نیز به عنوان يك درآمد برای تو باشد. سرانجام مأمور رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) را با سنگ بزرگی کشت و بر شتر سوار شد و به مکه [44]. بازگشت در حالی که از اسلام به کفر برگشته بود

:در این مورد مخالفان نظریه خلود پاسخهایی گفته اند که یادآور می شویم

این است که فردی مؤمن را به خاطر ایمانش بکشد و طبعاً در این (مُتَعَمِّدًا) مقصود از 1. صورت، قاتل، کافر خواهد بود.

مقصود از «خلود» اقامت ممتدی است که در عرف به این گونه اقامتها عنوان جاودانه 2. نیز بکار می رود مثلاً کسی که خانه ای را برای سکونت خریداری کند می گوید: خانه همیشگی ما است در حالی که به عنوان موقت است حتی احتمال دارد پس از مدتی عوض کند.

آیه هر چند ظاهر در خلود در آتش است ولی هرگز صریح در قطعی بودن این جزا 3. نیست ممکن است از طریق توبه یا شفاعت مشمول عفو الهی گردد در این صورت با شرك که حتمی بودن حکم درباره او اعلام شده است، تفاوت پیدا می کند قرآن درباره ی :مشرک با قاطعیت هر چه تمامتر می فرماید

[45] «... إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ»

با اعلام این مطلب نمی توان گفت: ممکن است مشرک مشمول شفاعت قرار گیرد در صورتی که در آیه مورد بحث می گوید: او در آتش مخلد است، در این صورت می توان احتمال داد که در پرتو شفاعت از این عذاب جانکاه آزاد گردد.

خلاصه، فرق است بین این که مثلاً رئیس بگوید فلانی را نمی بخشم و بین این که بگوید او زندان ابد دارد. جمله ی نخست تاب این که از طریق شفاعت خلاصی پیدا کند ندارد بالأخص که شفاعت با رضایت خدا انجام می شود و خدا عدم رضایت خود را اعلام نموده است در حالی که در دومی احتمال پذیرفته شدن شفاعت باقی است.

این پاسخها همان پاسخهایی است که مفسران در ذیل آیه بیان کرده اند، ولی در این جا

مطلب چهارمی نیز هست که هرگز دور از اعتبار نیست و آن این که در میان مرتکبان کبایر يك گروه که دست خود را به چنین گناه بزرگ آلوده کرده اند محکوم به خلود در دوزخ باشند و ما هرگز از گروهی نیستیم که قبلاً مدعا را بسازیم آنگاه به دنبال دلیل آن برویم، ما باید عقاید را، بر قرآن عرضه بداریم، هرگاه قرآن در مورد مسلمانی گنهکار او را محکوم به خلود در عذاب نمود، ما به حکم تسلیم در برابر قرآن باید پذیرا گردیم چیزی که هست صدوق در کتاب توحید از ابن ابی عمیر نقل می کند که امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) فرمود:

خدا در آتش جز اهل کفر و انکار را مخلد نمی سازد، یعنی گمراهان و مشرکان حتی آن «کس که از گناهان کبیره دوری جوید از گناهان کوچک او سؤال نمی شود گوید از او پرسیدم شفاعت از آن چه گروهی از مؤمنان است، فرمود: پدرم از پدرانش نقل کرده اند که پیامبر فرمود: شفاعت من مربوط به مرتکبان کبیره از امت من می باشد و اما نیکوکاران از آنها [46]. «پس بر آنها مشکلی وجود ندارد»

با این بیان روشن شد که از موارد دوازده گانه ای که قائلان به خلود در آتش استدلال نموده اند فقط يك مورد می تواند قابل تأمل و ملاحظه باشد اما چهار صورت نخست که مورد اتفاق است و اما موارد دیگر قرائن روشن در سیاق آیات ثابت کرد که این نوع از خلودها از آن کافران و مشرکان و منافقان است و این عناوین یازده گانه عنوان مشیر و رمز آن عناوین چهارگانه است که خلود آنها در عذاب مسلم است و اما مورد دوازدهم که قتل مؤمن است: با توجه به جوابهایی که مفسران گفته اند و دو مطلبی که ما افزودیم

این حکم، قطعی و محتوم نیست و احتمال تأثیر شفاعت را از بین نمی برد. 1.

2. روایتی که مرحوم صدوق در مورد مخلدان در آتش نقل کرد.

با توجه به این دو مطلب می توان گفت نظریه ی عدم خلود مؤمن در عذاب به طور مطلق [47]. ثابت و پا برجا است

نخل/29؛ احزاب/64. 65؛ زمر/71. 72؛ غافر/76؛ تغابن/10؛ بینه/6 و آیات [1]. دیگر

[2]. توبه/68؛ مجادله/17.

[3]. آل عمران/86. 88.

[4]. اعراف/36.

[5]. توبه/63.

[6]. جن/22. 23.

[7]. یونس/52؛ انعام/128. 129.

[8]. هود/106. 107.

[9]. زخرف/74. 75؛ سجده/12. 14.

[10]. بقره/81.

[11]. فرقان/68. 69.

[12]. نساء/93؛ فرقان/68.

[13]. بقره/275.

[14]. طه/100. 101.

[15]. مؤمنون/103. 104.

[16]. اعراف/35. 36.

[17]. توبه/63.

[18]. مجادله/22.

[19]. به سوره ی مجادله، آیه ی 5 و 20 نیز مراجعه شود.

[20]. جن/23. 24.

[21]. جن/18.

[22]. جن/20.

[23]. یونس/52.

[24]. یونس/48.

[25]. یونس/51.

[26]. هود/106. 107.

[27]. گاهی در این باره سخن گفته اند که خدا جاودانگی در دوزخ و بهشت را مقید به برپایی آسمانها و زمین نموده است، در حالی که آسمانها و زمین کنونی پیوسته نیست و با قیام قیامت نابود می شوند، وگاهی درباره ی استثنا سخن گفته اند: که خدا از مخلدین در دوزخ و بهشت صورتی را استثنا نموده است که مشیت او بر خلاف آن تعلق گیرد، آنجا که می فرماید: (إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ) و یک چنین استثنا با خلود سازگار نیست

[28]. هود/109.

[29]. لیل/14. 16.

[30]. زخرف/74. 75.

[31]. زخرف/68. 70.

[32]. زخرف/76.74.

[33]. بقره/81.

[34]. بقره/82.

[35]. فرقان/68.69.

[36]. طه/99.101.

[37]. كهف/57.

[38]. مؤمنون/103.

[39]. مؤمنون/105.

[40]. مؤمنون/109.110.

[41]. بقره/275.

[42]. به مجمع البيان، ج2، ص389 ; و الميزان، ج2، ص418 رجوع نماييد .

[43]. نساء/93.

[44]. مجمع البيان، ج5، ص92.93.

[45]. نساء/48.

[46]. سمعت موسى بن جعفر (عليهما السلام) يقول: لا يَحْلُدُ اللهُ في النَّارِ إِلَّا أَهْلَ الكُفْرِ .

والجحود وأهل الضلال والشرك ومن اجتنب الكبائر من المؤمنين لم يسئل عن الصغائر...

فقلت له: يا بن رسول الله فالشفاعة لمن تجب من المذنبين؟ فقال: حدثني أبي عن آبائه عن

علي (عليهم السلام) قال: سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) يقول: إنما شفاعتي

لأهل الكبائر من أمتي فأما المحسنون منهم فما عليهم من سبيل (توحيد صدوق: باب 63،

(حديث 6، ص 407).

منشور جاوید، ج 9، ص 376 . 402 . [47]

منبع: پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله سبحانی

منبع: سوال سی تی

گردآوری و تبدیل به کتاب الکترونیکی: سیدجوادمرتضایی ارزیل

جهت دریافت کتابها. مقالات. اخبار. تصاویر. به وب سایت های ماسرینزید.

[www.sunboys.ir](http://www.sunboys.ir)

[www.googooli.ir](http://www.googooli.ir)

[www.downloadestan.net](http://www.downloadestan.net)

[www.arzil.rzb.ir](http://www.arzil.rzb.ir)

[www.cyber313.rzb.ir](http://www.cyber313.rzb.ir)

[www.takroman.ir](http://www.takroman.ir)

[www.sunebook.rzb.ir](http://www.sunebook.rzb.ir)

[www.sunmodel.rzb.ir](http://www.sunmodel.rzb.ir)

میتوانید با ایمیل

[Sunboys.online@yahoo.com](mailto:Sunboys.online@yahoo.com)



ویا بشماره ی 09149967090 (پیامک) با ما در ارتباط باشید.

جامعه ی جهادگران مجازی پسران افتاب

استفاده از کتابها در وبلاگها و وبسایتها با ذکر صلوات جهت سلامتی و ظهور صاحب الزمان (عج) و با ذکر

منبع و نام نویسنده بلامانع میباشد.